



دکتر حسین خاکپور

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

آلوسی یکی از مفسرین بنام اهل سنت است که تفسیر او در میان تفاسیر عامه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. او به تعصب مشهور بوده؛ اما به نقل روایات اهل بیت علیهم السلام همت گماشته و از این آبشخور هدایت بهره برده است.

مقاله حاضر ضمن استخراج روایات اهل بیت علیهم السلام از تفسیر روح المعانی آلوسی، گونه به کارگیری آنها را بررسی و تقسیم بندی می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که این بهره‌وری به گونه‌های مختلفی یافته است. گاهی آلوسی روایت امام را بر سایر احادیث ترجیح می‌دهد و زمانی از آن بهره‌وری تأییدی می‌کند. در این گونه بهره‌وری ممکن است کلام امام با سخن رسول خدا، صحابه و تابعین تأیید شود و یا روایت معصوم را به عنوان مؤید سخن خود نقل کند و ... بر این اساس نگارنده مهم‌ترین این کاربردها را عرضه نموده تا والایی جایگاه عترت در این تفسیر نمایان شود. کلید واژه‌ها: گونه شناسی، روح المعانی، اهل سنت، آلوسی.

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام به عنوان وارثان علم پیامبر مهم‌ترین تفسیرها و تأویل‌ها را از خود به یادگار گذاشته‌اند. این روایات نه تنها در تفاسیر شیعه، بلکه در تفاسیر اهل سنت هم به گونه‌ای خاص تبلور یافته‌اند. از جمله این تفاسیر، تفسیر روح المعانی آلوسی است.

تفسیر روح المعانی از تفاسیر مهم قرن سیزدهم اهل سنت است. مؤلف آن از علمای حنفی مذهب و اشعری مرام است. آلوسی در تفسیر خود به روش عرفانی، ادبی، بلاغی و نحوی پرداخته و ضمن بیان دیدگاه خود نظر مخالفان را به نقد کشیده است.^۱ او در تفسیر خود از روایات هم بهره برده و اگر چه به تعصب مشهور است؛ اما استفاده از احادیث اهل بیت علیهم السلام به اثر او جلوه‌ای خاص بخشیده است.

ضرورت پرداختن به موضوع مورد نظر وقتی دو چندان می‌شود که بدانیم استفاده از روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر روح المعانی به گونه‌های مختلفی نمود یافته است و آلوسی در مواضع گوناگون و به اشکال مختلف از این روایات بهره برده است. این موضوع نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی برخی از نمودهای بهره‌وری از روایات بپردازد.

۱. ترجیح روایت اهل بیت علیهم السلام بر سایر اقوال (بهره‌وری ترجیحی)

منظور از این قسم، مواردی است که آلوسی در آنها پس از نقل چندین روایت در یک موضوع، روایت اهل بیت علیهم السلام را بر سایر روایات ترجیح می‌دهد، چه آنکه او علی علیه السلام را «باب مدینه العلم» می‌داند که چیزی جز آنچه رسول خدا فرموده و به او آموخته نمی‌گوید^۲ و سایر اهل بیت علیهم السلام را نیز متمسک به ریسمان خدا و بر صراط مستقیم می‌داند که حق هر صاحب حقی را می‌شناسند^۳ لذا در پاره‌ای از موارد سخن اهل بیت علیهم السلام را به صورت صریح بر دیگران ترجیح می‌دهد.



۱-۱. ترجیح صریح:

مقصود مواردی است که آلوسی سخن امام را به صراحت بر دیگر اقوال ترجیح می‌دهد. آلوسی در بحث اینکه فاطمه زهرا سلام الله علیها افضل زنان جهان است به حدیث امام باقر علیه‌السلام استناد می‌کند و می‌گوید:

«ذهب ابو جعفر رضی الله عنه و هو المشهور ائمه اهل البيت و الذی امیل الیه ان فاطمه البتول افضل النساء المتقدمات و المتأخرات من حیث انها بضعه رسول الله بل من حیثیات آخر ایضا»^۴ ابو جعفر (امام باقر علیه‌السلام) که از ائمه مشهور اهل بیت بوده را اعتقاد بر این است و من هم نظرم بر این است که فاطمه بتول سلام الله علیها افضل زنان متقدم و متأخر است از لحاظ اینکه ایشان پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله است و از جهات دیگر.

آلوسی پس از نقل این سخن و اقوال دیگر، سخن امام را بر دیگران ترجیح می‌دهد. در میان موارد ترجیح روایات اهل بیت علیهم‌السلام، آنچه بیش از نظائر آن در سخنان آلوسی و دیگر مفسرین مشهور اهل سنت نمود یافته، مسئله دفاع از حریم عصمت انبیاء الهی است که ضمن ترجیح بر سایر اقوال بر بلندای فهم خاندان وحی و بی بدیل بودن کلام آنها اذعان نموده‌اند، به عنوان نمونه آلوسی در جریان ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب بنت جحش سخن امام سجاد علیه‌السلام را نقل می‌کند که فرمودند:

جبرئیل به پیامبر اکرم خبر داده بود که زید، همسر خویش، زینب را طلاق خواهد داد و زینب جزء همسران او خواهد شد؛ ولی هنگامی که زید برای شکایت از همسرش نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و ناسازگاری خویش را با همسرش بیان داشت، پیامبر صلی الله علیه و آله به واسطه مصالحی که وجود داشت خبر جبرئیل را کتمان کرد و به زید توصیه نمود که با همسرش مدارا کند در این هنگام آیه شریفه نازل شد و پیامبر را راجع به کتمان واقعیت مورد خطاب قرار داد.

آلوسی پس از نقل سخن امام زین العابدین علیه‌السلام و دیگران می‌گوید: «و الاسلام ما ذکرناه عن زین العابدین»^۵ سالم تر و صحیح‌تر همان است که از زین العابدین



گفتیم. جالب توجه این است که دیگر مفسرین اهل سنت هم این سخن امام را بر سایر اقوال ترجیح داده‌اند.^۶

با تتبع در تفسیر روح المعانی و سایر تفاسیر، موارد چندی به چشم می‌خورد که در آنها آلوسی و دیگران روایت اهل بیت علیهم السلام در مورد پاکی انبیاء الهی از هر گونه آلودگی را بر سایر روایات ترجیح داده‌اند.^۷

۱-۲. ترجیح ضمنی

مواردی مشاهده می‌شود که در آنها آلوسی به طور ضمنی روایت امام را بر سایر اقوال ترجیح می‌دهد که گاهی عدم صراحت به خاطر مشهور بودن جریان است و در برخی موارد ممکن است دلایل دیگری داشته باشد به عنوان نمونه:

آلوسی جریان متوسل شدن معتصم به امام جواد علیه‌السلام برای حل مشکل محل قطع نمودن دست دزد را چنین نقل می‌کند:

«روی ان المعتصم سال ابا جعفر محمد بن علی بن موسی الکاظم رضی الله عنهم عن ذلك» و ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾^۸ الی آخر فاجاب بما ذکر.^۸

ظاهراً آلوسی جریان را به طور کامل نقل نمی‌کند شاید به خاطر شهرت آن و فقط به عبارت فاجاب بما ذکر قناعت می‌کند.

قضاوت امام جواد و استدلال به این آیه بسیار مشهور است که در زمان معتصم برای قطع نمودن دست سارقی اختلاف نمودند که از چه محلی باید قطع شود، در نهایت به امام جواد علیه‌السلام متوسل شدند و ایشان با استدلال به آیه مذکور فرمودند کف دست نباید قطع شود و همگان این رأی را پذیرفتند.

۳. تأیید روایت (بهره‌وری تأییدی)

در این موارد آلوسی پس از نقل روایت اهل بیت علیهم السلام آن را تأیید کرده، یا روایت رسول الله را با روایت امام تأیید می‌کند و گاهی به اشکال دیگری بروز می‌نماید.



۳-۱. نقل روایت رسول الله ﷺ و تأیید آن با حدیث امام

ألوسی ابتدا روایتی از رسول خدا ذیل آیه (زخرف: ۷۱) نقل می‌کند که «حبیب الی الطیب و النساء و جعلت قره عینی فی الصلاة» من (از دنیای شما) بوی خوش و زن را دوست دارم؛ اما نور چشمم در نماز است. سپس شعری از قیس بن ملاح می‌آورد که مضمون آن این است که تمام وقوف در صراط و ... ناشی از لذت بردن چشم است و سپس می‌گوید:

«و یوافق هذا القول الامام جعفر الصادق رضی الله عنه: «وشتان ما تشتهي الانفس بین ما تلذ الاعین لان جمیع ما فی الجنه من النعیم و الشهوات فی جنب ما تلذ الاعین کاصبع تغمس فی البحر لان شهوات الجنه لها حد و نهایت لانها مخلوق و لا تلذ عین فی الدار الباقیه الا بانظر الی الباقی عز و جل غز و لا حد لذلك و لا صفته و لا نهایه»^۹

امام صادق علیه‌السلام فرمود چقدر فرق است میان آنچه نفس می‌خواهد (شهوت) و آنچه چشم را به لذت وا می‌دارد، چون تمام آنچه در بهشت است از نعمتها و شهوات در کنار «تلذذ چشمها» همچون انگشتی در برابر دریاست، زیرا شهوات بهشت دارای حد و نهایت هستند؛ چون مخلوقند و لذت بردن چشم باقی نیست، مگر با نگاه به باقی که خداوند عزوجل است که حد و صفت و نهایی ندارد.

۳-۲. تأیید روایت امام با روایت رسول الله، صحابه و تابعین

در پاره‌ای موارد به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که ألوسی پس از نقل روایتی از امام آن را با روایت رسول الله، صحابه و دیگران تأیید می‌کند. به عنوان نمونه ألوسی ذیل آیه ﴿وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ می‌گوید امامیه از ابی عبدالله روایت کرده‌اند که «من احب ان



یعلم قبلت صلاته ام لم تقبل فلینظر هل منعه عن الفحشاء و المنکر فقد ر ما منعه قبلت منه»^{۱۰} هر کس دوست دارد ببیند آیا نمازش قبول شده است یا نه پس نگاه کند ببیند آیا او را از فحشا و منکر باز می‌دارد یا خیر، پس به هر اندازه که او را باز می‌دارد از او قبول می‌شود. آلوسی پس از این حدیث روایاتی از رسول الله، صحابه و تابعین در تأیید این مطلب ذکر می‌کند.

۳-۳. تأیید روایت امام با سخن خود

در برخی موارد آلوسی پس از نقل روایت امام آن را با سخن خود تأیید یا توضیح می‌دهد. به عنوان نمونه آلوسی و طبری نقل نموده‌اند که امام علی علیه‌السلام ذیل آیه ﴿مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ﴾ (غافر: ۷۸) گفت: «بعث الله عبداً حبشياً نبياً، فهو الذي لم نقصص عليك»^{۱۱} خداوند پیامبری حبشی را مبعوث نمود که از آن سخن گفته نشده است. آلوسی در ادامه می‌گوید: «هل يقول باب مدینه العلم علي علم لم يقص عليه من تلك المدینه حاشاه ثم حاشاه»^{۱۲} آیا باب علم پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه‌السلام چیزی را می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله به او نگفته باشد. هرگز، هرگز.

با تأویل در تفاسیر اهل سنت گونه‌های دیگری از بهره‌وری تأییدی را می‌توان یافت که تأیید با آیات قرآن و یا تأیید سندی از این گونه‌اند.^{۱۳}

۴. پذیرش روایت امام به صورت عام

در بررسی‌های انجام شده به مواردی برمی‌خوریم که امام مصداق آیه‌ای را خاص دانسته‌اند؛ اما آلوسی آن را عام می‌داند به عنوان نمونه او ذیل آیه ﴿فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾ می‌گوید: «قول ابی جعفر الباقر نحن اهل الذکر، و علماء اهل البیت رسول الله علیهم السلام و الرحمه من خیر العلماء اذا كانوا علی السنه المستقیمه کعلی و ابن عباس و



ابن علی الحسن و الحسین و محمد بن الحنفیه و علی بن الحسین زین العابدین و علی بن عبدالله بن عباس و ابی جعفر الباقر و هو محمد بن علی بن الحسین و جعفر ابنه و امثالهم و اضرابهم و اشکالهم ممن هو متمسک بمجل الله المتین و صراط المستقیم و عرف کل ذی حق حقه و نزل کل المنزل الذی اعطاه الله رسول و اجتمعت علیه قلوب عباده المؤمنین»^{۱۴}

در توضیح سخن امام باقر علیه السلام که اهل الذکر ما هستیم می گوید: علماء اهل بیت رسول الله علیهم السلام و الرحمه از بهترین علماء هستند هر گاه بر سنت مستقیم رسول خدا باشند مثل علی، ابن عباس، فرزندان علی حسن و حسین، محمد بن حنفیه، علی بن حسین زین العابدین، علی بن عبدالله بن عباس، ابی جعفر الباقر و جعفر الصادق و پسرش و امثال، شبیه و نظیر آنها از کسانی که به ریسمان محکم الهی او چنگ زده و بر راه مستقیم هستند و حق هر صاحب حقی را می شناسند و در جایگاهی که خدا و رسولش به آنها اعطا کرده و قلبهای مؤمنین آن جا جمع می شود، فرود می آیند.

آلوسی گرچه بیانی بس زیبا دارد؛ اما در اینجا امام آیه را خاص اهل بیت علیهم السلام دانسته؛ ولی او گرچه اهل بیت علیهم السلام را به طریق اولی - با وضعی که بیان می کند - داخل دانسته؛ ولی آن را در مورد علماء می داند. آلوسی در جای دیگر هم ذیل آیه (فاطر: ۳۲) روایتی از امام باقر و صادق علیهما السلام نقل می کند که «اورثوا الكتاب» خاص ما اهل بیت است، ولی می گوید: «حملهم علی العلماء اولی من هذا التخصیص و یدخل فیهم علماء و اهل البیت دخولاً اولیاً ففی بیتهم نزل الكتاب و لن یفترقا حتی یردا الحوض یوم الحساب»^{۱۵}

راقم این سطور در این جا در پی نقد سخن آلوسی نیست چه آنکه مفسرین در این باره سخن بسیار گفته اند و ما از باب شاهد سخن خود بیان نموده ایم.

۵. استفاده از روایت امام به عنوان تأیید سخن خود



در برخی موارد آلوسی نظری ارائه می‌دهد و در تأیید مطلب خود به عمل یا سخن امام استناد می‌کند و روایت امام را به عنوان مؤید سخن خود نقل می‌نماید. غالب مواردی که به عمل امام استناد می‌شود از مسائل فقهی است و آنجا که به سخن امام استناد می‌کند شامل مباحث فقهی و غیر فقهی است. آنچه این قسم را از نظائر خود متمایز می‌کند این است که گاهی این استدلال موافق نظر شیعه است و از مواردی است که هر دو فقه بر آن اتفاق نظر دارند؛ اما گاهی به دلایل چند از مواردی است که ظاهر آن مخالف نظر شیعه است که علمای امامیه آنها را بر تقیه حمل می‌کنند.

۵-۱. توبه محارب

آلوسی و سایر علمای اهل سنت در این موارد به عمل امام علی علیه‌السلام استدلال نموده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که با توبه محارب، جان و مال او در امان است. «و هو الظاهر من فعل علي بن ابي طالب رضي الله عنه بجارثه بن بدر الغراني فانه كان محاربا ثم تاب قبل القدره عليه، فكتب له بسقوط الاموال و الدم عنه كتاباً منشورا»^{۱۶} ظاهر عمل علی [علیه‌السلام] با حارث بن بدر الغرانی این است که امر «محارب» بود؛ اما قبل از دستگیری توبه نمود، امام هم نامه‌ای مبنی بر در امان بودن جان و اموالش نوشت.

۵-۲. سؤال مشرکین از رسول خدا

مردی از مشرکین خدمت علی علیه‌السلام رسید و پرسید اگر شخصی از ما برای امور دینی به خدمت رسول خدا برسد کشته می‌شود؟ امام فرمود: خیر؛ زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ﴾

آلوسی این سخن حضرت را در تأیید کلام خود می‌آورد که مراد امور دینی است.^{۱۷} لازم به یادآوری است در مواردی، آلوسی روایتی از امام را نقل می‌کند که مؤید مذهب اهل سنت است که بر اهل دقت نظر پوشیده نیست که این گونه روایات یا جعلی بوده و به دروغ به امام نسبت داده شده و یا راویان آن عامی مذهب بوده‌اند که در صدور آن از



امام باید تردید نمود و یا اینکه از موارد حمل بر تقیه‌اند؛ اما از آن جا که پرداختن مفصل به آنها مجالی دیگر می‌طلبد به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌کنیم.

۳-۵. سه طلاق در یک مجلس

آلوسی در تفسیر خود روایتی از سنن بیهقی نقل می‌کند که در ظاهر مؤید سخن اهل سنت است. «و لهذا ورد عن اهل البیت ما یوید مذهب اهل السنه فقد اخرج البیهقی عن بسام الصیر فی قال: سمعت جعفر بن محمد یقول من طلق امراته ثلاثا بجهاله او علم فقد برئت»^{۱۸}

بیهقی از بسام الصیرفی نقل می‌کند که جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) گفت هر کس از روی علم یا جهالت سه بار زنش را طلاق دهد، طلاق محقق است. گرچه در مقام نقد دیدگاه آلوسی نیستیم؛ اما روایت از جهاتی چند مخدوش است: الف) راوی در این روایت انفراد دارد و فقط صیرفی این روایت را نقل نموده است. ب) این روایت مخالف صریح دهها روایت دیگری است که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است.

ج) سلسله سند حدیث راویان عامی مذهب‌اند.

د) بر فرض صحت حدیث، با توجه به قرائن بسیار حمل بر تقیه می‌شود.

۶. دفاع در مقابل نقل نادرست از امام

در این گونه موارد آلوسی پس از بیان روایتی منسوب به امام، در مقام دفاع از ساحت امام برآمده و انتساب آن را به معصوم صحیح نمی‌داند. به عنوان نمونه او در قرائت «طلح نضید» می‌گوید: چگونه علی کرم الله وجهه قرائتی بر خلاف قرآن می‌خواند که نشان از تحریف آن دارد. اینگونه روایات را روات یا کُتاب نسبت داده‌اند و این بهتانی عظیم است. (هذا بهتان عظیم)^{۱۹}

۷. دفاع در مقابل برداشت نادرست از روایت امام



ألوسی ذیل آیه ﴿مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ الْأَعْمِي فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمِي﴾ می‌گوید: عده‌ای از وجودیه صوفیه در اثبات صحت گفته‌های خود به سخن زین العابدین رضی الله عنه استدلال نموده و شعر زیر را به او نسبت داده‌اند. به خیال اینکه امام به گفته آنها اشاره دارد حال آنکه مراد ایشان چیز دیگری است. سپس نظر امام را نقل می‌کند که مضمون عبارات این است:

من جوهر علم را مخفی می‌کنم؛ زیرا ممکن است جاهلی این حقیقت علم را ببیند و باعث فتنه شود. این کار را امام حسن و حسین و وصی رسولش قبلاً انجام داده‌اند (کتمان جوهر علم) چه بسیار جوهر علمی که اگر گشوده شود به من گفته شود، که تو بت می‌پرستی در این صورت مردان مسلمان خونم را حلال دانسته و زشت‌ترین چیز را زیبا خواهند دید.^{۲۰}

ألوسی می‌گوید مراد امام از اینکه اگر فاش شود مردم می‌گویند بت پرست هستی «علم الوحده» است که طبق آن بت و امثال آن مظهر خدایند و «لیس فی الدار غیره دیار».

۸. نقل همراه نقد

در این گونه موارد آلوسی پس از نقل روایت امام به نقد سندی یا محتوایی آن می‌پردازد که البته این نقد گاهی آمیخته با تعصب یا بخاطر مسائل و اعتقادات مذهبی است و گاهی هم این گونه نیست و عواملی چند باعث این نقد می‌شود که از حوصله این مجیزه خارج است.

الف) نقد سندی

به عنوان نمونه آلوسی نقل می‌کند:

عن الصادق ذیل ﴿إِنَّا سَأَلْنَاكَ عَلَيَّكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾: «قيل ثقل حروفه حقيقه في اللوح المحفوظ فمن بعضهم ان كل حرف من القرآن في اللوح اعظم من جبل قاف و ان الملائكة اجتمعت علي الحرف ان يلقوه ما اطاقوه حتي ...»^{۲۱}

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: قرآن را ثقل نامیده‌اند به اعتبار ثقل حقیقی حروفش در لوح محفوظ؛ زیرا بعضی از حروف قرآن در لوح محفوظ سنگین‌تر از کوه قاف است و اگر ملائکه جمع شوند تا حرفی را جابجا نمایند و بلند کنند، نمی‌توانند تا



اینکه اسرافیل که فرشته لوح محفوظ است می‌آید و آن را به اذن خداوند بلند می‌کند. آلوسی سپس می‌گوید این روایت نیاز به نقل صحیح از صادق علیه السلام دارد. آنچه مسلم است و رای بحث صحت یا عدم صحت سند حدیث - صحبت امام صادق علیه السلام وراء ظاهر و از مقوله باطن است آنجا که در روایات متعدد نقل شده که آیه الکرسی، حمد و ... از فراز مندی و ثقل بسیار به عرش آویزان بودند و فرود نمی‌آمدند، همه اینها بیانگر ثقل رتبی و باطنی آیات و کلمات و حروف است نه ثقل ظاهری و کلام حضرت ناظر به این قسم است. آنچنان که در خود قرآن نیز بیان شده است که این قرآن را بر آسمانها و زمین عرضه نمودیم نپذیرفتند و یا در آخر سوره حشر چنین می‌خوانیم ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ...﴾ اگر این قرآن را بر کوه نازل کنیم خاشع شده و از شدت خشوع از هم می‌پاشد.

ب) نقد محتوایی

در پاره‌ای موارد آلوسی پس از نقل حدیثی از امام - نه به طور کامل - بلکه با الفاظی چون بعید به نظر می‌رسد، شاید صحیح نباشد و اگر صحیح باشد و... در محتوای حدیث نقل شده از امام بحث می‌کند. به عنوان نمونه آلوسی پس از نقل روایتی از امام باقر و امام صادق علیه السلام به این مضمون که خدا قبل از این آدم هزار هزار آدم داشته «قد انقضي قبل آدم الذي هو ابونا الف الف آدم...»^{۲۲} می‌گوید اگر این روایت صحیح باشد حمل بر عالم مثال می‌شود نه عالم ظاهر که ما در آن هستیم. این دو قسم در تفاسیر دیگر اهل سنت هم مشاهده می‌شود.^{۲۳}

نتیجه

با تأمل در تفسیر روح المعانی آلوسی نموده‌های بهره‌وری مختلفی از روایات اهل بیت علیهم السلام به چشم می‌خورد که نگارنده مهمترین آنها را به پویندگان علم عرضه داشت که چنین حاصل می‌شود:



بهره‌وری ترجیحی: این قسم گاهی به صورت صریح و زمانی به صورت ضمنی بوده که آلوسی روایت امام را بر دیگر روایات ترجیح می‌دهد که بارزترین آن در مسئله دفاع از عصمت انبیاء الهی تبلور یافته است.

بهره‌وری تأییدی: در این نوع، آلوسی روایت امام را با کلام رسول الله، صحابه و یا تابعین تأیید کرده و زمانی هم خود در تأیید آن قلم فرسایی می‌کند. استفاده از روایت امام در تأیید سخن خود جایگاه ویژه‌ای در کلام این مفسر دارد، گاهی در مقام دفاع از عقیده و مذهب خود است. دفاع از روایت امام در مقابل نقد یا برداشت نادرست و یا نقد محتوایی یا سندی روایت امام از دیگر مواردی است که به چشم می‌خورد.



پی‌نوشت‌ها:

۱. ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۴۸۶؛ معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۲، ص ۴۳۵؛ ذہبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۳۵۴؛ مودب، روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۰۴.
۲. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع مئانی، ج ۲۴، ص ۸۷.
۳. همان، ج ۴، ص ۱۹۷.
۴. الوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع مئانی، ج ۳، ص ۱۵۶-۱۵۵.
۵. همان، ج ۲۲، ص ۲۴.
۶. قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۹۳/۱۴؛ بغوی، ۱۴۱۴، ۴۵۸/۳؛ فخر رازی، بی تا، ۲۱۲/۱۲؛ ابن کثیر، ۱۹۸۷، ۷۸۱/۳؛ میبدی، ۱۳۷۶، ۴۸/۸؛ طبری، ۱۴۲۱، ۱۳/۲۳؛ مظہری، تفسیر المظہری، ج ۷، ص ۳۴۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ۴۸/۸.
۷. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع مئانی، ج ۱۲، ص ۲۱۴؛ شوکانی، فتح القدر الجامع بین الروایہ و الدرايہ فی علم التفسیر، ج ۳، ص ۲۴؛ سیوطی، ۱۴۰۳، ۵۲۱/۴، ۵۲۴/۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۹۶/۱۵؛ اصفہانی، ۱۴۲۱، ۱۹۸/۱؛ بغوی، ۱۴۱۴، ۳۵۴/۱؛ مظہری، تفسیر المظہری، ج ۵، ص ۲۴؛ اسفراینی، ۱۰۶۷/۲.
۸. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع مئانی، ج ۹۱/۲۹.
۹. همان، ج ۲۵، ص ۶۹.
۱۰. همان، ج ۲۰، ص ۱۶۴.
۱۱. همان، ج ۲۴، ص ۱۸۷؛ طبری، ۱۴۲۱، ج ۲۴، ص ۸۶.
۱۲. همان، ج ۲۴، ص ۱۸۷.
۱۳. شوکانی، فتح القدر الجامع بین الروایہ و الدرايہ فی علم التفسیر، ج ۲، ص ۳۲۹؛ مراغی، ۱۹۹۸، ج ۳، ص ۳۰؛ ابن کثیر، ۱۹۸۷، ۳۴۹/۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۳۱۳؛ ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۱۷ و ۱۲۵، ص ۸۰؛ اسفراینی، ۱۳۷۵، ۱۲۱۱/۴۸، ۲/۱؛ قندوزی، بی تا، ص ۱۵؛ مسلم، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۲؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۸۵.
۱۴. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع مئانی، ج ۴، ص ۱۹۷.
۱۵. همان، ج ۲۲، ص ۹۵.
۱۶. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع مئانی، ج ۶، ص ۱۲۱؛ قرطبی ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۵۵؛ ابن عطیہ، محرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، ج ۱، ص ۱۸۶؛ بغوی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۷؛ شوکانی، فتح القدر الجامع بین الروایہ و الدرايہ فی علم التفسیر، ج ۲، ص ۴۴.
۱۷. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع مئانی، ج ۱۰، ص ۵۳.
۱۸. همان، ج ۲، ص ۱۳۹.
۱۹. همان، ج ۲۷، ص ۱۴.
۲۰. همان، ج ۱۵، ص ۱۳۴.
۲۱. همان، ج ۲۹، ص ۱۰۴.



۲۲. همان، ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۰.
۲۳. مظهری، تفسیر المظهری، ج ۱۰، ص ۳۳۶؛ شوکانی، فتح القدير الجامع بين الروايه و الدرايه فى علم التفسير، ج ۱، ص ۲۲.

منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین محمد، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع مثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲. ابن عطیة، ابی محمد عبدالحق، محرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. تحقیق عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن کثیر، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، بیروت، دار المعرفه، ۱۹۸۷م.
۴. ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منہجهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۵. اسفراینی، ابوالمظفر شاهرور بن طاهر، تفسیر تاج التراجم، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۶. اصفهانی، ابو نعیم، حلیہ الاولیاء، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۷. بغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء، معالم التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۸. ثعلبی، الکشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۹. ذہبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۸۱ق.
۱۰. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر، الطبعه الاولی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير الجامع بين الروايه و الدرايه فى علم التفسير، اعنى به و راجع اصوله يوسف الغوش، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۱۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
۱۳. عطار نیشابوری، شیخ فرید الدین، تذکره الاولیاء، بر اساس نسخه نیکلسن، تهران، نشر علم، ۱۳۸۴ش.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر بن حسن، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی بی تا.



۱۵. قرطبی، ابو عبدالله بن احمد، **الجامع الاحکام القرآن**، بیروت، دار الکتب العربی، الطبعة الرابعة، ۱۴۲۲ق و بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۶. قندوزی حنفی، ابراهیم، **ینابیع الموده**، ترجمه سید مرتضی توسلیان، تهران، چاپخانه بزرگمهر، بی تا.
۱۷. مراغی، احمد المصطفی، **تفسیر القرآن** (تفسیر مراغی)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۸م .
۱۸. مسلم، ابی الحسین بن حجاج، **صحیح**، با شرح نووی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۹. مظہری، قاضی محمد ثناء اللہ، **تفسیر المظہری**، تحقیق احمد غرو عنایه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ق.
۲۰. معرفت، محمد هادی، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب**، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۹ق.
۲۱. مؤدب، سید رضا، **روش های تفسیر قرآن**، دانشگاه قم، ۱۳۸۵ش.
۲۲. میبیدی، رشید الدین، **تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار**، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۶ش.

